

Victimization in Drug Crimes with a Look at International Documents



Neusha Ghahremani Afshar

Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Urmia Branch, Urmia, Iran.
Email: neusha.afshar@gmail.com



Yaser Ghahremani Afshar

PhD in Public Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
Email: yasghafshar@gmail.com



Abstract

One of the foremost challenges for contemporary criminal policy is designing effective mechanisms for victim reparation and compensation. Victimization in drug-related crimes is particularly multifaceted due to its extensive scope. Factors such as the victim's characteristics, the offender-victim relationship, and the unique nature of narcotics intensify the complexities of this issue, especially when vulnerable groups such as women, children, and adolescents are victimized. The intricate link between drug use and the crimes committed to finance addiction leads to significant physical, psychological, social, and emotional harm. In the absence of an effective prevention and control model, victim recovery and restitution are severely hindered. Enacting protective legislation and establishing frameworks that

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.2048736.1133](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048736.1133)

recognize the rights of these victims are critical first steps in developing a robust criminal policy. Using a descriptive-analytical method, this article identifies various forms of victimization in drug-related offenses and analyzes key international instruments designed to address the issue.

Keywords: Victimization, Drug-Related Crimes, Victim's Rights, Criminal Policymaking.



بزه دیدگی در جرایم مواد مخدر با نگاهی به اسناد بین‌المللی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، ارومیه، ایران
neusha.afshar@gmail.com (نویسنده مسئول)

نیوشا قهرمانی افشار



دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
yasghafshar@gmail.com

یاسر قهرمانی افشار



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.2048736.1133](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048736.1133)

چکیده

یکی از مهمترین چالش‌های سیاست جنایی اغلب کشورها در عصر حاضر، طراحی مکانیزم‌هایی برای ترمیم و جبران خسارات بزه‌دیدگان می‌باشد. بطور خاص بزه‌دیدگی در جرایم مرتبط با مواد مخدر از حیث گستردگی قلمرو آن دارای وجوه متعددی می‌باشد. ویژگی‌های مربوط به بزه‌دیده، رابطه میان بزه‌دیده و بزه‌کار و ماهیت خاص مواد مخدر موجب حساسیت بیشتر موضوع بزه‌دیدگی در این جرایم و به طور خاص در صورت بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و زنان در این حوزه می‌باشد. ارتباط پیچیده میان مصرف مواد مخدر و جرایم مرتبط با تامین مالی اعتیاد، خسارات جسمی، روانی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی عمده‌ای را در پی دارد به نحویکه در صورت فقدان یک الگوی کارآمد کنترلی و پیشگیرانه، ترمیم و جبران خسارات بزه‌دیدگان با مشکل مواجه

خواهد بود. وجود قوانین حمایتی و تامین بسترهای لازم برای به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیدگان این جرایم بدواً گام مهمی برای تدوین یک سیاست جنایی موثر است. در این مقاله بر آنیم تا به روش توصیفی - تحلیلی ضمن شناسایی مصادیق بزه‌دیدگی در جرایم مذکور به تحلیل اسناد مهم بین‌المللی مصوب در این زمینه نیز بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: بزه‌دیدگی، چرخه جرم، جرایم مواد مخدر، سیاست‌گذاری جنایی



مقدمه

بزه‌دیدگی در جرایم ناشی از مواد مخدر یکی از جنبه‌های پیچیده و پدیده‌های جنایی در جوامع حاضر است. استفاده از مواد مخدر نه تنها به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های حقوقی نظام‌های قضایی به شمار می‌رود بلکه نظام اقتصادی و حتی سیاسی کشورها را نیز به مخاطره می‌اندازد. بزه‌دیدگان مستقیم جرایمی همچون قاچاق، توزیع و مصرف مواد مخدر، نظام‌های کیفری را با آسیب‌های جدی مواجه می‌سازند. بزه‌دیدگی در این حوزه مفهومی است چند بعدی که ابعاد مختلف، زیستی و روانشناختی و در حوزه کلان جامعه محلی و ساختارهای اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به پیچیدگی شیوه ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر از یکسو و همچنین گستردگی قلمرو آسیب دیدگی از آنها، بررسی علمی بزه‌دیده شناختی این موضوع از حیث ویژگی‌های بزه‌دیدگان و پیامدهای بزه دیدگی ناشی از آن و طراحی سیاست‌های موثر برای پیشگیری، حمایت از بزه‌دیدگان و کاهش آسیب‌های ناشی از بزه دیدگی این جرایم ضرورتی انکار ناپذیر است.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چه عواملی بر بزه‌دیدگی در جرایم مرتبط با مواد مخدر تاثیر می‌گذارند و چگونه می‌توان با شناسایی این عوامل، به پیشگیری از این پدیده پرداخت.

پیشینه تحقیق:

در خصوص بزه‌دیدگی ناشی از جرایم مواد مخدر مقالات پژوهشی چندی انجام گردیده که بطور خاص بزه‌دیدگی کودکان را مورد بررسی قرار داده است. محمد موسی خورشیدی و محمد جواد یوسف زاده در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی حقوق کودکان بزه‌دیده جرایم

مربوط به مواد مخدر در ایران و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ضمن بررسی منافع عالی کودک در کنوانسیون از قبیل حق حمایت و حق برخورداری از کرامت انسانی و حق آموزش به بررسی ساز و کارهای جبران آثار ناشی از بزه‌دیدگی و حمایت‌های پیشگیرانه نیز پرداخته‌اند. همچنین حسن احمدی آهنگرانی و لیلا مقصودپور در مقاله‌ای با عنوان حمایت کیفری تشدید از بزه‌دیدگی اطفال در جرایم مواد مخدر به بررسی نقش حمایتی قوانین کیفری بطور خاص در جرایم مواد مخدر و جایگاه طفل بعنوان بزه‌دیده در چتر حمایتی قوانین کیفری پرداخته‌اند. مهرداد رایجیان اصلی در کتابی با عنوان بزه‌دیده شناسی حمایتی به حمایت‌های مالی، کیفری، روانی و عاطفی از بزه‌دیدگان و همچنین شناسایی گونه‌های خاص بزه‌دیدگان در پرتو مفهوم بزه‌دیدگی فردی یا گروهی پرداخته‌است. علی‌رزمان در کتابی با عنوان تحلیل باید و نبایدهای جنایی ایران در خصوص عرضه مواد مخدر به بررسی قوانین مربوط به ورود و عرضه مواد مخدر در ایران، نقش دستگاهها در کنترل و مبارزه با ورود و توزیع آن در صحنه بین‌الملل و همچنین کارکرد مرزها در این زمینه می‌پردازد. توحید زینالی در کتابی با عنوان جرایم قاچاق مواد مخدر در رویه دادگاهها ضمن بررسی گونه‌شناسی مواد مخدر به بررسی مصادیق جرایم مربوط به مواد مخدر در قانون مبارزه با مواد مخدر و مجازاتهای مقرر برای آن پرداخته‌است.

مفهوم شناسی و مبانی نظری:

بزه‌دیده شناسی یا مجنی علیه شناسی و یا شناخت مجنی علیه شاخه جدیدی از جرم شناسی است که به بررسی بزه‌دیده مستقیم جرم می‌پردازد. بنابراین شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود، موضوع این دانش نوین است. در این دانش، شخصیت، صفات زیستی، روانی، اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ۱۲) بزه‌دیده

شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد. بزه دیدگی (Victimization) به معنای تجربه آسیب یا ضرری است که توسط یک فرد یا گروه به دلیل ارتکاب یک عمل مجرمانه یا خلاف قانون به یک فرد یا گروه دیگر وارد می شود. این مفهوم در جرم شناسی به بررسی جنبه های بزه دیدگی به اقسام اولیه، ثانویه و ثالث تقسیم می شود.

بزه دیدگی اولیه: آسیب های مستقیم جسمانی، روانی یا مالی که قربانی در نتیجه جرم متحمل می شود.

بزه دیدگی ثانویه: آسیب هایی که قربانی در تعامل با نهادهای قانونی، اجتماعی یا فرهنگی تجربه می کند و بزه دیدگی پنهان یا سیاه که اقسامی از بزه دیدگی هستند که به دلایل مختلف مانند شرم، ترس از انتقام یا بی اعتمادی به عملکرد سیستم قضایی، گزارش نمی شوند.

مبانی نظری تحقیق:

نظریه فرصت جرم: این نظریه ارتکاب جرم را ناشی از تقارن فرصت جرم دانسته و معتقد است اصلی ترین راه برای پیشگیری از جرم، از بین بردن فرصت های جرم است. در حال حاضر این نظریه پایه و اساس بسیاری از روشهای مکانیکی پیشگیری از جرم قرار گرفته است. اصول این نظریه ابتدا توسط کوهن (Cohen) و کلوگل (Klugle) ارائه شده و بعدها توسط مارکوس فلسون (Felson) و رونالد کلارک (Clarke) تکمیل گردیده است. در بررسی مبانی این نظریه، ردپای سه دیدگاه معروف تبیین جرم به چشم می خورد. هر یک از سه دیدگاه و دیدگاه فعالیت روزمره، دیدگاه الگوی جرم و دیدگاه انتخاب معقول که هر سه به این نقطه مشترک رسیده اند که فرصتهای جرم اهمیت فراوانی در وقوع جرم یا پیشگیری

از آن دارند. در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر، فرصتی که برای این دسته از بزهکاران از حیث آسان حضور و اقدام به خرید یا فروش یا مصرف در حاشیه شهرها به لحاظ دور از دسترس بودن و خارج از نظارت نیروهای تعقیبی بودن ایجاد می گردد، موجبات تسهیل ارتکاب جرایم مذکور را فراهم می نماید. بر اساس نظریه الگوی جرم، فرصتهای جرم به فعالیتهای روزمره وابسته هستند. بزهکاران از خانه به محل ارتکاب جرم و از آنجا به خانه بر میگردند در طول این مسیر معمولاً فرصتها را در فاصله نزدیکی از محل گذر خود پیدا می کند و معمولاً از منطقه ای که آن را می شناسند فراتر نمی روند. برای کاهش فرصتهای مذکور، باید دقت داشت که کدام فعالیتهای و شرایط همجوار و کدام جدا از هم هستند.

نظریه پنجره های شکسته:

از دیدگاه این نظریه که توسط ویلسون و کلینگ مطرح شده، ازدیاد جرایم خرد باعث تباهی یک محله می شود. وجود بی نظمی های فیزیکی در یک محله و زیر ساخت های فرسوده آن، زمینه های مبادله و مصرف مواد مخدر را افزایش میدهد. لذا خرده فروشی مواد مخدر و مصرف گاه و بیگاه آن از سوی معتادین در یک محله با ایجاد احساس نا امنی در ساکنین آن محله و اینکه کنترل اجتماعی تنزل پیدا کرده است، موجب ورود بزهکاران حرفه ای به آن محله و ارتکاب جرایم کلان تر گردیده و نرخ ارتکاب جرایم این طیف را نیز بیشتر می کند. کاهش تعاملات مثبت میان ساکنین و بی اعتمادی آنان به یکدیگر و افزایش فرصت های ارتکاب جرم در نتیجه نبود نظارت، ضمن افزایش نرخ ارتکاب جرم متعاقباً منجر به بزه دیدگی نیز خواهد شد. افزایش حضور پلیس در مناطق پرخطر و

افزایش مشارکت جامعه محلی در نهی رفتارهای پرخطری چون مصرف مواد مخدر در کاهش دامنه بزه دیدگی تاثیر خواهد داشت.

نظریه ساختار اجتماعی:

از دیدگاه ساختار اجتماعی، نیروهای اقتصادی و اجتماعی، ساکنان مناطق پایین اجتماعی را به سمت الگوهای رفتاری مجرمانه سوق می دهند. بی نظمی اجتماعی در مناطق پایین شهر و فقیر نشین و باندهای نوجوانان که نظارتی بر آنها صورت نمی گیرد، از مهمترین مشکلات اجتماعی هستند. نظریه های ساختار اجتماعی به رقابت با نظریه هایی می پردازند که علت جرم و بزهکاری را عدم تعادل روانی و یا عوامل فردی بیان می دارند. در این دیدگاه، ضعف در شبکه های حمایتی اجتماعی مانند خانواده یا جوامع محلی، آموزش ناکافی یا معیوب و زیست بوم های جرم خیز احتمال درگیری در باندهای مواد مخدر یا گرایش به مصرف را افزایش میدهد. با اصلاح ساختار اجتماعی و تقویت ساز و کارهای مبتنی بر آن میتوان به زمینه های پیشگیرانه دست یافت. در رویکردهای ساختار اجتماعی، سه شاخه مستقل که در عین حال با هم همپوشانی دارند وجود دارد: نظریه بی سازمانی اجتماعی، نظریه فشار و نظریه انحراف فرهنگی. از دیدگاه نظریه بی سازمانی اجتماعی، دگرگونی و ناهمگونی جمعیت در محله های فقیر نشین به دلایلی همچون عدم توانایی نهادها برای کنترل درونی و بی علاقگی ساکنین محله به محیط خود و تصمیم به مهاجرت و بی ثباتی شبکه های محلی که منجر به کمرنگ شدن ساختار رسمی کنترل غیر رسمی می شود همگی می تواند در گرایش به سمت مصرف یا فروش مواد مخدر خصوصا در میان نوجوانان و جوانان موثر واقع گردد. رابرت مرتون با مقاله خود تحت عنوان ساختار اجتماعی و آنومی، در سال ۱۹۸۳، از تاثیر مفهوم آنومی دورکیم خبر دارد. او اذعان داشت که شرایط و موقعیتهای اجتماعی هستند که برخی افراد را به سوی

شکستن قواعد و عمل به شیوه های بزهکارانه یا انحرافی، سوق می دهند. به اعتقاد او اگر چه تمامی جوامع دارای هنجارهای هدایتگر افراد هستند اما فشار برای دستیابی به اهداف می تواند چنان زیاد شود و موقعیتی ایجاد کند که در آن موثرترین روشها برای دستیابی به اهداف، خواه مشروع خواه نامشروع بر روشهای نهادین و قابل قبول ترجیح داده شوند. (ملک محمدی، ۱۳۸۹).

در این دیدگاه، برخی گروهها برای شکستن قواعد جامعه، مستعدتر از دیگران هستند و به لحاظ سود آور بودن جرم مواد مخدر، مرتکبان شیوه ابداع را با انتخاب روشهای غیر متعارف در جهت اهداف خود بر می گزینند.

نظریه انحراف فرهنگی: کجروی را می توانیم رفتارهایی بدانیم که در جهت مخالف رفتار اکثریت افراد جامعه نوسان داشته و با آن مغایر است. دیوید تترا کجروی را منحرف شدن از راه اصلی و نرمال یا سرپیچی از معیارهای ارزش موجود به هر شکل که باشد تعریف می کند. (فرجاد، ۱۳۸۰، ۶۵) برای شناخت ماهیت انحراف باید نظم اجتماعی را دقیقاً بررسی نموده و عوامل انحراف را در نظم اجتماعی جستجو کرد.

اصول این نظریه مبتنی بر تعارض هنجاری، انتقال فرهنگ انحرافی و محیطهای اجتماعی می باشد. در مورد بزه دیدگان مصرف مواد مخدر، با توجه به اصول نظریه، در برخی فرهنگها، مصرف مواد بعنوان یک رفتار پذیرفته شده یا حتی مطلوب و چه بسا بعنوان یک هنجار شناخته می شود. چنانچه در مناطق فقیرنشین یا مناطق کم برخوردار یا نابرخوردار، چنین فرهنگی دارای رواج بیشتری می باشد. فقدان فرصتهای مشروع یا محدودیت آنها نیز میتواند زمینه مصرف یا قاچاق مواد مخدر را بعنوان خرده فرهنگهای انحرافی فراهم نماید. لذا مداخله در هنجارها و ارزشهای جوامع محلی و شناسایی گروههای در معرض خطر می تواند تحت تاثیر این نظریه حائز اهمیت باشد. ایراد این

نظریه آن است که با تاکید صرف بر خرده فرهنگها، از بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی غفلت می ورزد.

طبقه بندی جرایم مرتبط با مواد مخدر:

از دیدگاه حقوق جنایی، جرایم مرتبط با مواد مخدر معمولاً بر اساس ماهیت، شدت و نوع فعالیت مجرمانه قابل طبقه بندی است. از این حیث می توان جرایم مرتبط با مواد مخدر را به دسته های زیر تقسیم کرد:

۱- جرایم تولید و ساخت مواد مخدر

شامل کشت، تولید، فرآوری یا تهیه مواد مخدر است.

این جرایم معمولاً سنگین ترین مجازاتها را به دنبال دارند، زیرا زیر بنای فعالیت های دیگر مرتبط با مواد مخدر را تشکیل می دهند. مانند تولید هروئین یا ساخت مواد روانگردان.

۲- جرایم نگهداری و حمل مواد مخدر

نگهداری مواد مخدر برای مقاصد شخصی یا انتقال آن از جایی به جای دیگر. شدت مجازات در این مورد بستگی به مقدار مواد، نوع مواد و قصد متهم دارد. مانند حمل مقدار قابل توجهی مواد برای توزیع یا نگهداری جزئی برای مصرف شخصی.

۳- جرایم قاچاق مواد مخدر:

شامل واردات، صادرات، توزیع و انتقال مواد مخدر از مرزهای داخلی یا بین المللی است. مانند قاچاق مواد از کشورهای تولید کننده به بازارهای مصرف.

۴- جرایم فروش و توزیع مواد مخدر:

شامل فروش مستقیم مواد به مصرف کنندگان یا شبکه های توزیع است مانند فروش مواد در مناطق عمومی یا شبکه های اجتماعی.

۵- جرایم مصرف مواد مخدر:

مصرف مواد مخدر توسط افراد که در سیاست جنایی برخی کشورها بیشتر یا رویکرد بالینی و بازپروری با آن برخورد می‌شود تا جنبه کیفری. در این راستا دو سیاست قانونمند سازی و جرم انگاری حاکم است. برخی کشورها مانند هلند و آلمان مصرف برخی مواد را قانونمند ساخته‌اند و کشورهایی مانند فرانسه، ایران و بلژیک آنرا جرم انگاری و کیفر گذاری نموده‌اند. (رایجیان، ۱۳۹۸، ۱۰۹)

۶- جرایم مرتبط با تامین مالی و حمایت از فعالیتهای مواد مخدر:

این جرایم شامل تامین مالی، پولشویی یا حمایت از تولید و توزیع مواد مخدر است. این دسته از جرایم غالباً در قالب جرایم سازمان یافته و با قصد سرمایه گذاری در تولید مواد اغلب صنعتی و ارائه و پشتیبانی مالی به گروههای قاچاق انجام می‌گیرد. سیاست کیفری ایران در قانون مبارزه با پولشویی با آخرین اصلاحات در ۱۳۹۷ در جهت هدف شناسایی و کنترل مسیرهای مالی غیرقانونی، با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر سختگیری و سرکوب، در صدد تقویت رویکرد سزامحوری است.

۷- جرایم سازمان یافته مرتبط با مواد مخدر: این دسته از جرایم در سطوح بین‌المللی و با پیامدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انجام می‌شود. استفاده از فناوری پیشرفته، جعل مدارک و سیستم‌های مالی پیچیده برای پنهان کردن فعالیتها و کسب حداکثر سود با کمترین خطر از مهمترین ویژگیهای آنهاست. مانند کارتهای مواد مخدر یا شبکه‌های بین‌المللی قاچاق.

۸- فساد و ارتشا: شامل پرداخت رشوه به مرزبانان و ماموران تعقیب یا تحقیق یا هر یک از مقامات ذیربط جهت تسهیل ارتکاب یا ترک تعقیب متهمین میگردد.

۹- جرایم جانبی مرتبط با مواد مخدر: که به طور غیرمستقیم با مواد مخدر مرتبط هستند. مانند جرایم خشونت آمیز، سرقت یا تاسیس شرکتهای صوری. با تغییر رویکرد سیاست کیفری ایران در سالهای اخیر به کاهش استفاده از مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد

مخدر، می‌توان اذعان داشت رویکرد تشدید گرایانه تنبیه محور در این جرایم روندی به سمت نگرش‌های تعدیل گرایانه با محوریت مکانیزم‌های پیشگیرانه وضعی داشته است. بزه‌دیدگی در جرایم مرتبط با مواد مخدر:

جرایم مواد مخدر دلیل اثرات گسترده بر نظم عمومی، غالباً فاقد بزه‌دیده مستقیم دانسته می‌شوند؛ اما خانواده و نزدیکان مرتکبان بزه‌دیدگان غیرمستقیم آن به شمار می‌آیند و بسته به نوع جرم و مقررات قانونی، امکان مطالبه جبران خسارت برای آنان وجود دارد.

۱- بزه‌دیدگان ناشی از توزیع و فروش مواد مخدر:

۱-۱- مصرف‌کنندگان: افراد معتادی که به دلیل وابستگی به مواد مخدر، قربانی سوء استفاده فروشندگان و دلالان می‌شوند.

۱-۲- خانواده‌ها: اعضای خانواده مصرف‌کنندگان که از حیث اقتصادی، روانی و اجتماعی آسیب می‌بینند.

۱-۳- شهروندان: مانند خانواده‌ها که از بزه‌دیدگان غیرمستقیم جرایم مذکور هستند که به علت گسترش جرایم مرتبط با مواد مخدر بزه‌دیده جرایمی همچون سرقت یا خشونت‌های ناشی از مواد مخدر می‌گردند.

۲- بزه‌دیدگان ناشی از قاچاق مواد مخدر:

۲-۱- حمل‌کنندگان (بزه‌دیدگان اقتصادی): افرادی که به دلیل فقر یا اجبار، به حمل مواد مخدر مبادرت می‌نمایند و در صورت کشف، متحمل مجازات‌های سنگین می‌گردند.

۲-۲- کارگران پایین دست در شبکه قاچاق: کسانی که برای سود کم در حلقه‌های قاچاق فعالیت می‌کنند و معمولاً قربانی تهدید یا خشونت هستند.

۲-۳- مأموران امنیتی و انتظامی: افرادی که در درگیری با باندهای قاچاق یا عملیات مبارزه با مواد مخدر، قربانی خشونت یا آسیب می‌شوند.

۳- بزه‌دیدگان کشت و تولید مواد مخدر:

۳-۱- کشاورزان و کارگران کشت مواد مخدر، افرادی که به دلیل شرایط اقتصادی یا اجبار گروه‌های قاچاق، در تولید مواد مخدر دخالت دارند.

۳-۲- افراد محلی در مناطق تولید: کسانی که در نزدیکی مناطق تولید مواد مخدر زندگی می‌کنند و از خشونت، آلودگی محیط زیست یا ناامنی رنج می‌برند. در این راستا می‌توان به ایجاد جایگزین‌های معیشتی برای کشاورزان و کاهش جذابیت اقتصادی کشت مواد مخدر از طریق کنترل و مدیریت اقدام نمود.

۴- بزه‌دیدگان ناشی از جرایم مرتبط با مصرف مواد مخدر:

۴-۱- قربانیان سرقت و یا خشونت: افرادی که از جرایم مرتبط با تامین هزینه اعتیاد مانند سرقت، زورگیری یا خشونت آسیب می‌بینند. افرادی که به طور مستقیم در معرض خشونت یا تهدید قرار گرفته‌اند اختلالاتی همچون افسردگی و اضطراب را تجربه می‌نمایند. آسیب‌های جسمانی و تامین در هزینه‌های درمانی و قضایی، از آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان است.

۴-۲- افراد در معرض خشونت خانگی: بزه‌دیدگان غیر مستقیم که اغلب خانواده و نزدیکان فرد مصرف‌کننده هستند.

۵- بزه‌دیدگان جرایم سازمان‌یافته مواد مخدر:

۵-۱- افرادی که قربانی درگیری باندها می‌شوند: ممکن است افراد بی‌گناه در جریان درگیری‌های بین باندهای قاچاق، جان خود را از دست دهند.

۵-۲- قربانیان فریب و استخدام در باندها: افرادی که بدون اطلاع از عواقب، وارد شبکه‌های قاچاق می‌شوند و بزه‌دیده قوانین سختگیرانه یا خشونت باندها می‌شوند.

این بزه‌دیدگان نیازمند حمایت قانونی، روانی و اجتماعی هستند تا از آسیب‌های بیشتر جلوگیری شود. از آنجایی که در جرایم سازمان‌یافته استفاده از خشونت برای پیشبرد اهداف گروه‌های مجرم رایج است بزه‌دیدگان ممکن است مورد ضرب و جرح آدم‌ربایی یا

حتی قتل قرار گیرند. آنان اغلب دچار ترس مزمن و اضطراب می گردند زیرا با شبکه ای از مجرمان حرفه ای و فاقد ترحم مواجه اند .

در برخی موارد گروههای سازمان یافته ممکن است افراد را مجبور به مصرف مواد مخدر کنند تا آنها را وابسته و کنترل پذیر نمایند . طبق تئوری لمرت، افراد درگیر در شبکه های سازمان یافته به جهت قرار گیری در حلقه سازمان، محکوم به طرد از جامعه گردیده و اعضای خانواده وی نیز متحمل آثار اجتماعی منفی این برچسب زنی می گردند . بعضا اعضاء شبکه تحت فشار حلقه های بالاتر، ملزم به پرداخت مبالغ هنگفتی در قالب باجگیری و اخاذی می گردند . فقدان امنیت شغلی افرادی را که در مناطق تحت کنترل این گروهها فعالیت دارند تهدید می کند زیرا ممکن است مجبور به همکاری غیر ارادی با شبکه گردند. به دلیل پیچیدگی ساختار شبکه سازمان یافته و فرامرزی بودن آن در اغلب موارد امکان دسترسی بزه دیدگان به سیستم قضایی دشوار بوده و به علت ترس از انتقام جویی یا تشدید بزه دیدگی غیر مستقیم، اغلب بزه دیدگان این جرایم اقدام به گزارش جرم و تعقیب نمی نمایند.

طرق جبران خسارات بزه دیدگان جرایم مرتبط با مواد مخدر در اسناد بین المللی:

حکم به مصادره اموال و استرداد اموال ناشی از جرم از بارزترین ابعاد شیوه های جبران خسارت بزه دیده گان می باشد که در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر نیز مصداق می یابد . ارائه وامهای حمایتی به بزه دیدگان برای بازسازی کسب و کار یا زندگی آنها نیز می تواند به جبران خسارت کمک کند . در کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان (کنوانسیون وین) علاوه بر تشدید مبارزه با قاچاق مواد مخدر، دولتها را به ایجاد مکانیزمهایی برای جبران خسارات بزه دیدگان ترغیب می کند. در ماده ۵ این کنوانسیون به صادره اموال مرتبط با قاچاق مواد مخدر اشاره شده

است که بخشی از آن می‌تواند برای کمک به بزه‌دیدگان استفاده شود. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰) این کنوانسیون نیز در مواد ۱۴ و ۲۵ خود ضمن لزوم جبران خسارات بزه‌دیدگان جرایم سازمان یافته از جمله قربانیان قاچاق مواد مخدر تصریح می‌کند که منابع مالی حاصل از مصادره اموال مجرمان می‌تواند برای برنامه‌های حمایتی و بازتوانی بزه‌دیدگان مورد استفاده قرار گیرد.

اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت (۱۹۸۵) از قربانیان جرایم خصوصاً جرایم خشونت آمیز و سازمان یافته حمایت کرده و بر لزوم دسترسی آنها به جبران خسارات مالی تأکید می‌کند. در این سند، دولتها تشویق شده‌اند که با ایجاد صندوقهای ملی یا استفاده از منابع توقیف شده از قربانیان جرایم حمایت مالی کنند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR): اگر چه به طور مستقیم به بزه‌دیدگان مواد مخدر اشاره ندارد در ماده ۲ و جبران خسارت برای هر گونه نقض حقوق بشر تأکید نموده است. حق حیات در مواد شش و نه این میثاق به رسمیت شناخته شده و از آنجاییکه بزه‌دیدگان جرایم مواد مخدر مورد خشونت، قتل و ترور بصورت بالقوه هستند، این سند رویکرد حمایتی در این زمینه خواهد داشت. در ماده بیست و چهار میثاق به تکلیف دولتها در حفاظت از کودکان و نوجوانان پرداخته شده که در حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده مواد مخدر سند قابل استنادی میباشد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR): در موارد مرتبط با قربانیان جرایم مواد مخدر؛ حق دسترسی به عدالت (ماده شش کنوانسیون) و جبران خسارت مالی بعنوان بخشی از حقوق بنیادین انسان مطرح شده است. در ماده شش هدف از دسترسی به سیستم قضایی عادلانه برخورداری از عدالت و انصاف در رسیدگی و تکریم شاکی در تمام مراحل رسیدگی و اعلام کلیه حقوق او به وی و تضمین آن در این فرایند است. ماده سه کنوانسیون

به منع شکنجه و رفتارهای غیر انسانی یا تحقیر آمیز اشاره دارد. نوعی از بزه دیدگی در جرایم مواد مخدر میتواند به بهره کشی از بزه دیدگان و سو استفاده از آنان توسط باندهای قاچاق مواد مخدر مرتبط باشد که رویکرد حمایتی کنوانسیون بر آن اذعان دارد. ماده هشت کنوانسیون به حق درمان و بازپروری تاکید دارد که اغلب بزه دیدگان خصوصا بزه دیدگان مصرف را شامل میگردد. ماده چهارده کنوانسیون نیز بر منع تبعیض اشاره دارد. کودکان، زنان و سالمندان ممکن است در دسترسی به خدمات قضایی و بازپروری با مشکل مواجه گردند و دولتها موظفند موانع موجود را در این زمینه مرتفع نمایند.

سند UNODC (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد):

این سند برنامه هایی را برای حمایت از بزه دیدگان جرایم مرتبط با مواد مخدر تدوین کرده است این برنامه ها شامل بازتوانی، ارائه کمک های مالی و استفاده از دارایی های توقیف شده مجرمان برای حمایت از قربانیان است.

کنوانسیون های منطقه ای:

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: این سند در مواردیکه بزه دیدگان تحت تاثیر جرایم سازمان یافته قرار دارند، حمایت از آنها را مورد توجه قرار می دهد. این کنوانسیون در سال ۱۹۶۹ تصویب شد در ماده ۲۵ این کنوانسیون حق دسترسی به عدالت برای همه بزه دیدگان لحاظ شده و در مواد ۴ و ۵ آن، حفاظت از حق زندگی افراد و حق بر تمامیت جسمانی و روانی افراد وظیفه دولتها شناخته نشده است.

حق حمایت قضایی موثر که طی آن بزه دیدگان جرایم مواد مخدر بتوانند در فرایندهای قضایی به حقوق خود دست یابند (ماده ۸) و لزوم توجه ویژه به بزه دیدگان آسیب پذیر در مواردیکه بزه دیدگان تحت تهدید یا خشونت قرار دارند مورد توجه قرار گرفته است. تعهد

دولتها به جبران خسارت مالی و معنوی در مواد ۱ و ۶۳ این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است.

کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای پیشگیری و مبارزه با فساد:

این کنوانسیون که به اختصار کنوانسیون مابوتو نیز شناخته می‌شود، در سال ۲۰۰۳ توسط اتحادیه آفریقا (AU) به تصویب رسید و هدف اصلی آن مبارزه با فساد در کشورهای عضو است. این کنوانسیون به طور خاص بر فساد در زمینه های مختلف از جمله بخشهای دولتی، خصوصی، قضایی و همچنین تأثیرات منفی فساد بر حقوق بشر و توسعه اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. مهمترین اصول این کنوانسیون در ارتباط با بزه‌دیدگان جرایم مواد مخدر ماده ۴ (مبارزه با فساد در نهادهای دولتی و قضای) ماده ۶ و مبارزه با فساد در سطح ملی و بین المللی که بر لزوم تقویت همکاریهای بین المللی در مبارزه با فساد تأکید دارد به ویژه در مواجهه با فساد در زمینه جرایم سازمان یافته مانند قاچاق مواد مخدر.

ماده ۱۲: پیشگیری از فساد و تقویت شفافیت در فرایندهای اقتصادی و دولتی که این ماده بر لزوم ایجاد سیاست ها و اقداماتی برای پیشگیری از فساد در بخشهای مختلف از جمله سیاستهای اقتصادی و منابع طبیعی. مبارزه با فساد در این زمینه ها به کاهش فرصتهای سوء استفاده از منابع ملی و افزایش حمایت از بزه‌دیدگان کمک خواهد کرد. ماده ۷- به اهمیت آگاهی بخشی به بزه‌دیدگان در ارتباط با بهره مندی از حمایتهای موجود (به نفع خود اشاره دارد).

ماده ۲۳- به لزوم جبران خسارات ناشی از فساد اشاره شده است. این ماده را می‌توان به حالتی که فساد در نهادهای پلیسی و قضایی مانع از رسیدگی به جرایم مرتبط با مواد مخدر

می شود بسط داد و دولتها طبق این ماده موظف به جبران خسارتهای و فراهم کردن عدالت برای بزه دیدگان هستند.



نتیجه

بزه‌دیدگی در جرایم مرتبط با مواد مخدر می‌تواند بصورت مستقیم ناشی از بزه‌دیدگان مصرف و یا خشونت و قاچاق ناشی از مواد مخدر بوده و نیز بصورت غیر مستقیم اعضای خانواده و فرزندان و نظم عمومی جامعه را بطور کلی در بر گیرد. با توجه به وسعت آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان جرایم مذکور که اعم از آسیب‌های جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی نیاز به تأمین بسترهای لازم جهت حمایت‌های قانونی، قضایی، امکان‌جبران خسارت از صندوق‌های پیش‌بینی شده جهت این امر و تسهیلات بازتوانی اجتماعی ضروری مینماید. از مهمترین ویژگی‌های پروفایل بزه‌دیدگان جرایم مواد مخدر، تعلق آنان به گروه سنی نوجوانان و جوانان و وجود اختلال خفیف یا شدید روانی از جمله اضطراب یا افسردگی یا دیگر حالات نوروتیک است. از عوامل موثر بر بزه‌دیدگی ناشی از مصرف یا حمل یا قاچاق مواد مخدر نیز میتوان به ویژگی‌های فردی شامل سن، جنسیت و فاکتورهای خطرپذیری همچون فقدان اعتماد به نفس و خودکنترلی اشاره کرد. وجود سابقه اعتیاد در خانواده، فقدان روابط عاطفی سالم و عدم کارآمدی مکانیزم‌های کنترل غیر رسمی، خرده فرهنگ‌های انحرافی در گروه همسالان، ناامنی اقتصادی، سبک زندگی و نقص در ابزارهای حمایتی قضایی، احتمال بروز یا تشدید بزه‌دیدگی را در زمینه مواد مخدر افزایش میدهد. گستردگی قلمرو این جرایم در ابعاد فرامرزی نیز زمینه دسترسی به این مواد را در میان اقشار مختلف در داخل تسهیل نموده و با کاهش کارآمدی سیاست‌های واکنشی و عدم تقویت تدابیر بازدارنده، سیاست کیفری را با شکست مواجه مینماید. در چنین حالتی اقدامات حمایتی و بالینی نیز نمیتواند به جهت سستی مبانی پیشگیرانه، بزه‌دیدگان را قویا حمایت کند. استفاده از الزامات و بسترهای اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی و طراحی

الگوهای پیشگیری از بزه‌دیدگی بر اساس اهداف ترسیمی اسناد مذکور همراه با مداخله موثر و هدفمند جامعه محلی میتواند در ترمیم آلام بزه‌دیدگان اثر بخش باشد.



فهرست منابع

۱. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸) بزه‌دیده‌شناسی، -جلد اول، شهر دانش -تهران
۲. فرجاد، محمدحسین، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران- نشر بدر
۳. کی‌نیا، مهدی، (۱۳۷۰) بزه‌دیده‌شناسی، مجله حقوق دانشکده علوم قضایی، ش ۱
۴. ملک محمدی، حمید رضا، (۱۳۸۹) نظریه‌های جرم‌بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول. پاییز

